

ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

**سال دوم شماره ۴۲**

۱۰ آبان ۱۳۹۵ / ۳۱ اکتبر ۲۰۱۶

**حقوق ما**

**احزاب و سندیکاها**



## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: آرش بهمنی

تحریریه: نعیمه دوستدار، علی مهتدی، کامبیز غفوری

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

## حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست



قواعد حقوقی تشکیل اجتماعات و راه پیمایی احزاب،  
جمعیت ها و سندیکاها

محمد اولیایی فرد



اقلیت ها و حق تشکیل گروه در ایران: نه هر اقلیتی،  
نه هر فعالیتی

نعیمه دوستدار



لودیسم و چارتیسم؛ بستر ساز اتحادیه های کارگری

علی مهتدی



قوانین کار ایران از دیدگاه یک فعال کارگری

کامبیز غفوری

## حق تشکیل سندیکاها در ایران

قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و  
صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده



از مواد میثاق در ارتباط مستقیم است. مطابق این ماده با توجه به اطلاق آن و طبیعی بودن آزادی اجتماعات، تمامی افراد، فارغ از هرگونه تعلقی می‌توانند از آزادی اجتماعات بهره‌مند شوند و ماده ۲ میثاق نیز موید این امر است. اقلیت‌ها نیز می‌توانند مانند هر فرد دیگری در سرزمین تحت قلمرو یک کشور عضو، برای نیل به اهدافشان از حق‌های عمومی مانند آزادی بیان، اجتماعات و تشکیلات بهره‌مند شوند. آن‌ها می‌توانند با استناد به ماده ۲۱ میثاق و با بهره‌مندی از آزادی اجتماعات مسالمت‌آمیزی که به دور از ایجاد تنش و تنفر باشد، حقوق خود را مطالبه کرده و از فرهنگ خاص خود در درون جامعه اکثریت، پیروی کنند. اتباع بیگانه نیز می‌توانند در قلمرو هر کشور عضو میثاق، در جهت حفظ منافع خود از آزادی اجتماعات بهره‌مند شده و از ظرفیت‌های این آزادی استفاده نمایند. آزادی اجتماعات اما در زمره آزادی‌های منفی است که تحقق هرچه بیشتر این آزادی با عدم مداخله دولت صورت می‌پذیرد ولی این موضوع نافی تعهدات مثبت دولت‌ها نیست، بلکه در پاره‌ای از موارد مانند تامین امنیت اجتماع‌کنندگان که جنبه مثبت دارد، دولت باید آزادی مزبور را تضمین نماید. آزادی اجتماعات در کنار آزادی بیان، مطبوعات، مذهب و وجدان، جزو آزادی‌های مدنی کلاسیک است. این نوع آزادی‌ها دربرگیرنده مجموعه‌ای از حقوق منفی است که ریشه در دکتترین حقوق بشر داشته و خواستار عدم مداخله از سوی حکومت است.

همچنین آزادی اجتماعات جزو آزادی‌های گروهی است. آزادی اجتماعات ماهیتاً حق و آزادی فردی است اما به صورت شکلی باید در یک جمعیت و گروه متجلی شود تا به تحقق برسد و این دو مفهوم یعنی فرد و گروه برای اجرایی شدن این آزادی در گرو هم هستند. شاید کمتر آزادی‌ای باشد که با چنین وضعیتی در خصوص مطالبه‌اش روبه رو باشد. بنابراین افراد، هم آزاد هستند که برگزاری اجتماعی را تدارک ببینند و اجتماعاتی را تشکیل بدهند (آزادی تشکیل و برگزاری اجتماعات) و هم این حق را دارند تا به تجمع و راهپیمایی که تشکیل شده است ملحق شوند (آزادی الحاق به اجتماعاتی که دیگران تشکیل داده اند) یا آن را ترک گویند؛ چرا که خروج از اجتماعات نیز جزو آزادی افراد محسوب می‌شود (آزادی خروج از اجتماعات).

البته نباید آزادی اجتماعات را با آزادی تشکیلات اشتباه گرفت. طی یک تقسیم بندی کلاسیک، آزادی اجتماعات موقت را آزادی اجتماع عمومی و آزادی اجتماعات غیرموقت (دائمی) را آزادی انجمن‌ها و جمعیت‌ها می‌نامند که تعین حقوقی آزادی اجتماعات موقت در ماده ۲۱ و



## قواعد حقوقی تشکیل اجتماعات و راه پیمایی احزاب، جمعیت‌ها و سندیکاها

دینی شناخته شده آزادند، این آزادی شامل آزادی در تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها نیز می‌گردد، حق تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها از آن جهت حائز توجه و اهمیت است که اساساً تشکیل گروه، سازمان دادن و اجتماع کردن با یکدیگر با هدف خاصی که دغدغه و نگرانی عمومی باشد، حق بشری است. آزادی اجتماعات ازجمله آزادی‌هایی است که جزو طبیعی‌ترین حق‌های بشری بوده و از دیرباز افراد برای مطالبه خواسته‌های خود و با گردهمایی و تجمع کردن، به بازگ کردن مطالبات خود یا بخشی از افراد جامعه می‌پرداختند. آزادی اجتماعات برای نخستین بار، در اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان حق بشری به رسمیت شناخت شد. پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر، جامعه جهانی با تصویب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آزادی اجتماعات را مستقلاً و جدای از



محمد اولیایی‌فرد

۱. آزادی اجتماعات و راه پیمایی‌ها در اسناد بین‌المللی و قوانین ایران  
مطابق اصل بیست و ششم قانون اساسی احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های

آزادی تشکیلات مورد شناسایی مجدد قرار داد. حقوق بشر، حقوقی جهانی، برابر، جدایی‌ناپذیر و تفکیک ناشدنی و در ارتباط با یکدیگرند. آزادی اجتماعات نیز ازجمله آزادی‌هایی است که از یک بُعد موضوعیت و از بُعد دیگر طریقت دارد. آزادی اجتماعات علاوه بر اینکه خود حقی است مستقل، ابزاری جهت تحقق سایر حقوق و آزادی‌ها از قبیل آزادی بیان، اندیشه، تفکر است. کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی آزادی اجتماعات اذعان می‌دارد «آزادی اجتماعات در کنار آزادی بیان و آزادی تشکیلات، مبنای بهره‌مندی از بسیاری از آزادی‌های سیاسی است».

آزادی اجتماعات که یک حق بشری مصرح در ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، با بسیاری



حقوق بشر منع نشده است، با این حال نظام بین‌الملل حقوق بشر و رویه دولت‌ها، حمل سلاح در تجمعات و راهپیمایی‌ها را ممنوع کرده و آن را مصداق بارز تجمع غیرمسالمت‌آمیز و غیرقانونی می‌داند. و اساسا اجتماعی که شرکت‌کنندگان آن، اسلحه حمل یا از آن استفاده کنند، از حمایت بین‌المللی برخوردار نبوده و حتی دولت‌ها و نیروی پلیس، اجازه برخورد با این گونه تجمعات را با رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر خواهند داشت.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۷ یکی از شروط بهره‌مندی افراد از آزادی اجتماعات را عدم حمل سلاح می‌داند. این شرط موید قید مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات است. علی‌رغم ذکر این قید در قانون اساسی، در قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران، توصیفی از حمل سلاح و مصادیق آن در اجتماعات به عمل نیامده است با این حال ممنوعیت حمل سلاح علاوه بر سلاح گرم شامل سلاح سرد نیز می‌باشد که تشخیص آن بر عهده پلیس است. اما سوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که چه تعداد اسلحه می‌تواند یک اجتماع را واجد وصف غیرمسالمت‌آمیز نماید؟ در این خصوص به نظر می‌آید توجه اکثر قانون‌گذاران در استفاده از کلمه سلاح، حاکی از این واقعیت است که به کارگیری اسلحه توسط اجتماع کنندگان، هرگاه در سطح وسیع باشد می‌توان واژه تجمع غیرمسالمت‌آمیز و مسلحانه را به آن جمعیت اطلاق کرد و دولت‌ها به این دلیل می‌توانند با آن برخورد نمایند، ولی هرگاه در یک اجتماع و راهپیمایی، یک یا چند نفر اسلحه حمل کنند نمی‌توان عنوان حمل سلاح را برای آن اجتماع به کاربرد و تجمع غیرمسالمت‌آمیز نام نهاد تا با آن برخورد نمود. هرچند میزان یا تعداد دقیق اسلحه‌ای که یک اجتماع را واجد وصف غیرمسالمت‌آمیز و غیرقانونی می‌نماید، محل بحث است که در این خصوص به نظر تشخیص عرفی ملاک عمل قرار خواهد گرفت.

البته برای اطلاق عنوان تجمع غیرمسالمت‌آمیز، صرف حمل سلاح کفایت می‌کند و استفاده و استمرار حمل آن لازم نیست. همچنین بحث عدم حمل سلاح امری است که پس از تشکیل یک تجمع و راهپیمایی بروز و ظهور پیدا می‌کند و نمی‌توان از قبل آن را پیش‌بینی کرد ولی حمل آن، چه در ابتدا و هنگام تشکیل تجمع باشد و چه در اثنای آن، باعث غیر مسالمت‌آمیز شدن آن اجتماع می‌شود. بنابراین اینکه گفته شود با توجه به اصل ۲۷ که واژه تشکیل را آورده است، اجتماعات در هنگام تشکیل نباید مسلحانه باشد، به دور از منطق حقوقی می‌باشد. ضمن اینکه هر اقدامی که باعث خارج شدن اجتماعات از قید مسالمت‌آمیز بودن شود، ممنوع بوده و باعث می‌شود چنین تجمعات خشنی مورد حمایت اسناد بین‌المللی حقوق بشر قرار نگیرد. از این رو نه تنها



نسبت به حکومت، پیش‌فرض اصلی تظاهرکنندگان است.

در بحث مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات موضوع پرهیز از خشونت که عدم حمل سلاح مصداق بارز آن است و نیز موضوع عدم ترویج تنفر توسط اجتماعات و منع بیان تنفرآمیز و خشونت‌زا و منع تحریک به خشونت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

#### الف - عدم حمل سلاح:

یکی از قیودی که همواره جزو لاینفک مفهوم مسالمت‌آمیز بودن در آزادی اجتماعات است، عدم حمل سلاح است. علت اصلی اینکه حمل سلاح باعث خارج شدن تجمعات از حالت مسالمت‌آمیز می‌شود، ممکن است تهدید امنیت عمومی یا همان جان افراد و دیگری مغایرت آن با اهداف و ضروریات جامعه دموکراتیک باشد. ممنوعیت حمل سلاح از بدیهی‌ترین موضوعات در بحث مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات است. هرچند عدم حمل سلاح به صراحت در اسناد بین‌المللی

آزادی اجتماعات غیرموقت (تشکیلات) در ماده ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

آزادی اجتماعات ازجمله آزادی‌هایی است که در اکثر قوانین اساسی کشورها به عنوان حقوق اساسی ملت، تضمین‌کننده سایر آزادی‌ها و مانعی برای جلوگیری از خودکامگی احتمالی حکومت‌ها است. قانون اساسی ایران، آزادی اجتماعات را در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته است.

#### ۲. مولفه‌های اصلی آزادی اجتماعات

با بررسی اسناد حقوق بشری، تعریفی از آزادی اجتماعات مشاهده نمی‌شود بلکه این اسناد تنها به شناسایی این حق پرداخته‌اند، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز تفسیر عمومی مستقلی درمورد ماده ۲۱ و تعریف آزادی اجتماعات ارائه نداده، بلکه فقط در برخی از تفاسیر عمومی به طور پراکنده به آزادی اجتماعات اشاره کرده است. بنابراین با توجه به رویه نظام بین‌الملل حقوق بشر، به نظر می‌رسد شاید تعریف این آزادی و قانون‌گذاری آن به قوانین داخلی واگذار شده باشد. با این حال با توجه به رویه دولت‌ها در قوانین اساسی و داخلی و دکرترین حقوقی در این خصوص، می‌توان آزادی اجتماعات را عبارت از این دانست که افراد آزاد هستند آگاهانه، عامدانه و به صورت مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر به طور موقت و بدون هراس از مداخله دولت برای بیان مطالب در زمینه‌های مختلف، گرد هم آیند و به بیان خواسته‌های خود از این طریق بپردازند. از وصف آگاهانه و عامدانه بودن اجتماعات، مولفه سازمان‌یافته بودن اجتماعات و از موقت بودن و هدف خاص داشتن، غیردائمی بودن و هدفمند بودن اجتماعات استنباط می‌شود. علاوه برمولفه‌های اصلی آزادی اجتماعات (موقت بودن، سازمان‌یافته بودن و هدفمندبودن) مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات نیز از مولفه‌های اصلی آزادی اجتماعات به شمار می‌رود.

#### ۳. مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات

مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات از مولفه‌های اصلی آزادی اجتماعات است. مسالمت‌آمیز بودن، قیدی محدود‌کننده است و هر اجتماعی به عنوان آزادی اجتماعات مورد حمایت نظام بین‌المللی حقوق بشر، باید وجه مسالمت‌آمیز بودن را رعایت نماید. در اسناد حقوق بشری، هنگامی که مفهوم صلح‌آمیز یا مسالمت‌آمیز بودن در کنار فعالیت‌ها و آزادی‌های فردی تصریح می‌شود، ناظر به جنبه‌ای از رفتار شهروندان است که در آن افراد در جهت استیفای حقوق و آزادی‌های خود، علاوه بر متوسل نشدن به خشونت، تساهل، تسامح و

بردباری را رعایت کرده و با همزیستی مسالمت‌آمیز از آزادی‌ها بهره‌مند می‌شوند. این موضوعی چندسویه است که علاوه بر اجتماع‌کنندگان، پلیس و نیز سایر افراد از جمله مخالفین اجتماع کنندگان باید آن را رعایت نموده و با رفتارشان از به خشونت کشیده شدن و غیرمسالمت‌آمیز شدن آن جلوگیری نمایند.

پرهیز از خشونت از مهم‌ترین موضوعات در مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات است. این امر، گاه به صورت پاره‌ای از رفتارها و مصادیق عملی صورت می‌گیرد و گاه به صورت خشونت کلامی و ترویج تنفر جلوه می‌کند. به طور قطع، اجتماعاتی که همراه با خشونت و تنفر باشد، مورد حمایت و شناسایی اسناد بین‌المللی حقوق بشری نیست. مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات، به عوامل مختلفی ازجمله وجود فرهنگ تحمل، تسامح، تساهل و بردباری در جامعه و نیز ضرورت وجود حکومتی دموکراتیک بستگی دارد. چه اینکه در حکومت‌هایی که ساختار سیاسی آن بر اساس ساختار دموکراسی بنا شده است، وفاداری مردم

اجتماعاتی که از سلاح استفاده می‌کند وصف مسالمت‌آمیز بودن را نقض کرده و مورد حمایت نیست بلکه اجتماعاتی که خشونت‌آمیز بوده و به آشوب، ناآرامی و شورش منجر شود و در آن تجمع‌کنندگان به زور متوسل شوند نیز مورد شناسایی و حمایت نیست.

### ب- منع به کارگیری بیان تنفرآمیز و تحریک به خشونت:

بیان تنفرآمیز نیز مانند رفتار و اقدامات خشونت‌آمیز در اجتماعات ممنوع است. منظور از بیان تنفرآمیز، به کارگیری کلمات، سخنان و بیاناتی است که باعث شود در جامعه و میان اقشار مختلف ازجمله ادیان، نژادها و گروه‌های سیاسی و اجتماعی ایجاد اختلاف کرده یا زمینه‌ساز بروز و ظهور خشونت، تنش، تنفر، تبعیض و حتی مناقشات خشونت‌آمیز و گاه مسلحانه شود. اجتماع کردن، نوعی بیان است حتی اگر با س کوت همراه باشد و بیان، آشکارترین وسیله ابراز تنفر است و در ترویج تنفر در بین اقشار مختلف جامعه، گفتار افراد بیشترین نقش را دارد. بنابراین اگر بیان صورت گرفته باعث تحریک افراد و گروه‌ها در جامعه شود، ممکن است موجب اخلال در نظم جامعه و منجر به خشونت گردد. از این رو بیان تنفرآمیز ازجمله مواردی است که موجب غیر مسالمت‌آمیز شدن اجتماعات می‌شود.

منع بیان تنفرآمیز، نوعی محدودیت بر آزادی بیان افراد است و به دلیل رابطه نزدیک آزادی بیان و آزادی اجتماعات، این محدودیت بر آزادی اجتماعات نیز قابل اعمال است زیرا آزادی اجتماعات، نوعی بیان جمعی است و برای مسالمت‌آمیز بودن، بیان اجتماعات نباید تنفرآمیز باشد. ممنوعیت بیان تنفرآمیز، یک ممنوعیت صرفا اخلاقی نیست و نظام بین‌المللی حقوق بشر، تنها به ممنوعیت بیان تنفرآمیز اکتفا نمی‌کند، بلکه جرم‌انگاری مصادیقی چون تحریک و ترغیب به خشونت، تبلیغ برای جنگ و کشتار و تبعیض و تنفر، از تعهدات دولت‌ها بوده و اجتماعاتی که همراه با بیان تنفرآمیز باشد، علاوه بر اینکه تحت حمایت نظام بین‌المللی حقوق بشر نیست، بلکه باید طبق قوانین داخلی، غیرقانونی تلقی شده و شرکت کنندگان در آن باید به مجازات مندرج در قانونی که از پیش این مصادیق را جرم‌انگاری کرده، محکوم شوند. ماده ۲۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که محدودیتی ویژه بر آزادی بیان است بیانگر ممنوعیت و جرم بودن بیان تنفرآمیز است.

با این حال تشخیص مصادیق بیان تنفرآمیز به مراتب مهم‌تر و سخت‌تر از تشخیص در سایر مصادیق اجتماعات غیر قانونی است. تشخیص در این‌گونه موارد بیشتر پسینی و قضایی است اما ذکر مصادیق بیان تنفرآمیز در قانون از سوء استفاده های

## حقوق ما

اکتبر ۲۰۱۶ / آبان ۱۳۹۵

۸

احتمالی جلوگیری می‌نماید. تفسیر قضایی که در این موارد صورت می‌گیرد نیز باید به نحوی باشد که به محدودیتی بیش از آنچه لازم است و مورد نظر تدوین کنندگان میثاق است، نینجامد. با این رویکرد، مصادیقی چون بی‌احترامی، توهین، ابراز تنفر نسبت به عقاید دیگر ادیان، دامن زدن به اختلافات قومی یا نژادی، تحقیر و تمسخر اقوام و نژادها که ممکن است منتهی به بروز خشونت، ایجاد کینه و تنفر در آن گروه‌ها شود یا سخنرانی تنفرآمیز علیه تفکر و عقیده سیاسی که منجر به تحریک آن گروه مخالف و طرفدارانش شود، در زمره بیان تنفرآمیز بوده با این حال با توجه به اهمیت آزادی بیان و آزادی اجتماعات، تفسیر قضایی باید مضیق باشد تا اظهارات و انتقادات افراد در اجتماعات به دلیل تنفرآمیزبودن، محدود نشود و هر بیانی که در راستای سیاست های دولت نباشد تنفرآمیز تلقی نشود.

### ۴. اخذ مجوز و آزادی اجتماعات

از آن‌جایی که آزادی اجتماعات، آزادی طبیعی است، دولت‌ها وظیفه دارند آن را شناسایی کنند و از این جهت دیگر نیازی به کسب مجوز برای برگزاری اجتماعات نیست. لذا ایجاد سازوکارهای اداری از سوی دولت‌ها صرفا جهت تسهیل این آزادی است و در این راه تشریفات غیرضرور و موانع باید حذف شود، نظام بین المللی حقوق بشر در آزادی اجتماعات به دولت‌ها اختیار اعمال محدودیت‌های اداری و بخشنامه‌ای را از طریق نهادهای اجرایی ذی ربط داده است. به عبارت دیگر، یکی از ویژگی‌های خاص آزادی اجتماعات، اعمال تصمیمات اداری و بخش‌نامه‌های دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط مبنی بر اعمال یک سری از محدودیت‌ها در اجرای این آزادی است. مبنای این امر قید «طبق قانون» در ماده ۲۱ میثاق است که در تفسیر این واژه اکثر حقوق‌دانان معتقدند اعمال تصمیمات اداری نیز از سوی دولت‌ها مشروع است. در همین راستا یکی از این محدودیت‌های اداری بحث اطلاع‌رسانی قبلی برای برگزاری اجتماعات است. در واقع نظام بین‌الملل حقوق بشر، اطلاع دادن به نهادهای ذی ربط و ایجاد ساز و کار لازم را برای بهره‌مندی از این حق ضروری می‌داند، ولی اخذ مجوز و تدوین قواعد و مقررات غیرضرور را نه تنها لازم نمی‌داند بلکه از آنجا که این تشریفات اغلب به نقض آزادی اجتماعات می‌انجامد، دولت‌ها را از آن منع می‌نماید.

آزادی اجتماعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی مطابق اصل ۲۷ مورد شناسایی سیستم حقوقی ایران قرارگرفته است. در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است». طبق این اصل، تشکیل اجتماعات نیازمند کسب مجوز نیست و تنها

۹

اکتبر ۲۰۱۶ / آبان ۱۳۹۵

## حقوق ما

دو قید عدم حمل سلاح و مخل نبودن به مبانی اسلام باید رعایت شود. بنابر این سیستم حقوقی ایران در اصل ۲۷ قانون اساسی، اخذ مجوز را برای تشکیل اجتماعات لازم ندانسته و بهره‌مندی از این حق طبیعی را منوط به اذن و اجازه هیچ نهاد و مرجعی نمی‌داند. موضوعی که در مصوبه شورای نگهبان نیز آمده و به صراحت برگزاری اجتماعات را نیازمند هیچ مجوزی ندانسته است.

اما قانون فعالیت احزاب و آیین‌نامه آن نه تنها بهره‌مندی از این آزادی را منوط به اخذ مجوز از وزارت کشور می‌داند، بلکه این حق را تنها برای گروه‌های مندرج در این قانون شناسایی نموده و از این‌رو افراد عادی را از این آزادی و تشکیل آن محروم کرده است. بنابراین، قانون فعالیت احزاب در دو مورد برخلاف اصل ۲۷ قانون اساسی تصویب شده است: اولاً ضرورت اخذ مجوز برخلاف اصل ۲۷ است که در این اصل به لزوم اخذ مجوز اشاره‌ای نشده است و سکوت قانون‌گذار اساسی را باید دلیل مخالفت آن با لزوم اخذ مجوز دانست. ثانياً آزادی اجتماعات، حق تمام شهروندان است و هرکس می‌تواند اقدام به تشکیل اجتماع نماید و اصل ۲۷ نیز این آزادی را حق هرکس دانسته است. لذا تصریح قانون فعالیت احزاب به این‌که اجتماعات را حق گروه‌ها می‌داند مغایر با اصل ۲۷ قانون اساسی است

علاوه بر مغایرت قانون فعالیت احزاب با اصل ۲۷ قانون اساسی یکی دیگر از موضوعات چالش‌برانگیز در حقوق ایران در موضوع کسب مجوز، موضوع عدم اخلال به مبانی اسلام و نهاد تشخیص‌دهنده این مفهوم است. این موضوع می‌تواند به عنوان بهانه‌ای برای محدودیت یا نقض کامل این آزادی به کار رود. مبانی اسلام، مفهومی است که نه در قوانین و مقررات ایران از آن تعریفی به عمل آمده و نه موارد اخلال به آن تعیین شده است. از سوی دیگر، نهادی غیردینی جهت تشخیص یک امر کاملاً دینی (تخصصی) تعیین شده که این امر پیچیدگی موضوع را بیش از پیش نموده است.

مطابق کتب اولیه اسلامی، مبانی اسلام عبارتند از توحید، معاد و نبوت که این موارد در اعتقادات تمامی مسلمانان مشترک است. لازم به ذکر است، مذهب شیعه امامت و عدل را نیز داخل در تعریف مبانی اسلام می‌داند، اما آنچه قدر متیقن است سه مولفه توحید، معاد و نبوت، جزو مبانی دین اسلام است. بنابراین اگر مولفه‌های فوق، مبانی اسلام دانسته شود و از آن تفاسیر موسع در جهت تسری به احکام و آداب دینی و نظرات فقهی به عمل نیاید، باید گفت اجتماع موقت و زودگذر، توان اخلال به مبانی اصیل دینی را نخواهد داشت. تشکیل اجتماع و اظهارنظر و تبادل آرا در خصوص احکام و موضوعات دینی در فضایی مسالمت آمیز نمیتواند اخلال به مبانی دینی تلقی شود هرچند این بیانات با انتقاداتی همراه

### یادداشت حقوقی

باشد. قدر مسلم، اظهارنظر در خصوص نظرات علما، مقامات و مسئولین کشوری یا نهادهای حکومتی، اخلال به مبانی دینی محسوب نمی‌شود.

از سوی دیگر، رویه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب در تشخیص مبانی اسلام، مشخص و از پیش تعیین نشده نیست و این خود از مواردی است که اخذ مجوز را بیش از پیش پیچیده می‌نماید. بنابراین از آن‌جا که مخل بودن به مبانی اسلام پس از تشکیل اجتماع محرز و مشخص می‌شود و برخورد با آن باید برخورد پسینی باشد ولی با توجه به قوانین و مقررات موجود و رویه کمیسیون، تشخیص این امر توسط این نهاد، یک اقدام پیشینی و به صورت پیش‌بینی و گمانه‌زنی است. که همین موضوع اخذ مجوز را بیش از پیش دشوار و پیچیده می‌نماید.

چالش دیگر صالح بودن یا نبودن کمیسیون ماده ۱۲ احزاب در تشخیص یک امر دینی است. آیا یک کمیسیون غیردینی و اداری صالح به تشخیص یک امر دینی است؟ بی شک پاسخ منفی است و دادن اختیار این امر به کمیسیون ماده ۱۲ احزاب به نوعی دخالت در تفاسیر شورای نگهبان نیز هست زیرا به اعتقاد برخی، تنها شورای نگهبان، آن هم فقط فقهای آن شایسته اظهارنظر در خصوص مبانی اسلام هستند. مع الوصف، نهادن چنین اختیاری برای این نهاد ازجمله مواردی است که در عمل، آزادی اجتماعات را بیش از پیش محدود و در معرض نقض کامل قرار داده و اعطای مجوز را امری دشوار و به شدت پیچیده نموده است.

### منابع :

۱- ضیایی چاهگاهی، سیدیاسر؛ جایگاه اجتماعات و راهپیمایی‌های اصل ۲۲۷ قانون اساسی در سیاست جنایی ایران

۲- قاسمی، آرین؛ حق بر آزادی تجمع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی

۳- کمالوند، محمدمهدی؛ تحلیل حق بر آزادی اجتماعات در پرتو اسناد بین المللی حقوق بشر و تطبیق آن با نظام حقوقی ایران

۴- هاشمی، سیدمحمد؛ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

۵- خلخالی، فرید؛ نظم عمومی و آزادی تجمع و تشکل

۶- مهرپور، حسین؛ نظام بین‌المللی حقوق بشر،

۷- مقصود رنجبر؛ حقوق و آزادی‌های فردی

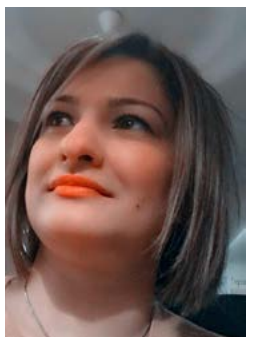
۸- قاری سیدفاطمی، سید محمد؛ حقوق بشر در جهان معاصر

۹- اسلامی ، رضا ، چالش‌های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران

۱۰- کمالوند، محمدمهدی ، چالش‌های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران



# اقلیت‌ها و حق تشکیل گروه در ایران: نه هر اقلیتی، نه هر فعالیتی



نعیمه دوستدار

کشورهای عضو سازمان ملل متحد در ۱۹۹۲ اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و

زبانی را به اتفاق آرا تصویب کردند. این اعلامیه ضابطه‌های ضروری برای تضمین حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌ها را تعیین کرده و مرجعی کلیدی برای کار سازمان ملل متحد است. بر اساس این اعلامیه، اشخاص متعلق به گروه‌های اقلیت «حق دارند به گونه‌ای موثر در زندگی فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی مشارکت کنند»، «حق دارند به طور کامل در همه مسایل اجتماع شرکت کنند» و «انجمن‌های خود را تشکیل دهند و حفظ کنند». این اعلامیه تأکید می‌کند که اقلیت‌ها برای حفظ و ادامه زندگی فرهنگی یا دینی خود می‌توانند انجمن‌ها، باشگاه‌ها یا مراکز فرهنگی، از جمله نهادهای آموزشی یا دینی تشکیل دهند

و تاسیس کنند.

در ایران هم حق تشکیل انجمن اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده است اما تنها برای برخی از این گروه‌ها. اصل ۱۲ قانون اساسی ایران «اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری» را به عنوان دین رسمی کشور معرفی کرد و به اینکه دیگر مذهب‌های اسلامی همچون حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی، و زیدی می‌توانند مطابق فقه خود عمل کنند بسنده شد.

اصل سیزدهم قانون اساسی ایران هم اقلیت‌ها را اینگونه تعریف کرده است: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی، مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند». این به معنای آن است که اقلیت‌های خارج از این سه دین، امکان تشکیل انجمن و گروه نخواهند داشت؛ به ویژه بهاییان به عنوان بزرگترین جامعه دینی در ایران پس از مسلمانان از حق تشیل هرگونه انجمن و گروهی محروم‌اند.

اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی همه باورها را به استثنای مذهب اکثریت شیعه غیررسمی می‌داند و در عمل حق برخورداری از پرستشگاه مذهبی و برگزاری آیین‌های مذهبی و تبلیغ مسالمت آمیز را از پیروان سایر مذاهب و آیین‌ها را به کلی سلب می‌کند. به همین دلیل است که در سایه این عدم رسمیت، امکان تخریب تمامی اماکن مورد احترام آیین بهائیت، برخی از مکان‌های مقدس زرتشتیان، تخریب حسینیه دروایش نعمت الهی گنابادی در قم فراهم شده و برای احداث مسجد برای اهل تسنن در تهران و سایر شهرستانها مجوز صادر نمی‌شود.

بر اساس گزارش‌های موجود، اقلیت‌های دینی در ایران ۶۰ انجمن دارند. حق تشکیل انجمن اقلیت‌های دینی، بر اساس اصل ۱۳ قانون اساسی، عبارت‌است از ایجاد تشکیلاتی مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد.»

بر این اساس قانون «فعالیت احزاب، جمعیت‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» در ماده ۳۷ می‌گوید که متقاضیان تشکیل انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی باید همگی

از اعضای یک اقلیت شناخته شده باشند.

بر اساس ماده ۳۸ این قانون، در مرامنامه تشکیل انجمن باید اهداف کاملاً مشخص و در برگیرنده حل مشکلات و مسائل دینی فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد.

تبصره این ماده مشخص می‌کند که منظور از مسائل دینی چیست. این مسایل عبارتند از برگزاری مراسم مذهبی، عادی، برگزاری جشن‌ها و اعیاد و مراسم سوگواری مذهبی، برگزاری سخنرانی‌ها یا سمینارهای تبلیغی، نشر کتب و مقالات و مجلات مذهبی، دعوت از مبلغین مذهبی سایر کشورها و تعمیر معابد و امکنه مقدسه.

تبصره ۲ این قانون هم به تعیین مسایل فرهنگی قابل طرح در این انجمن‌ها می‌پردازد که بر اساس آن، بررسی مسائل فرهنگی شامل نشر زبان خاص مربوط به خود از طریق تشکیل کلاس‌های خصوصی و نشریه، ایجاد مدارس و سایر مؤسسات فرهنگی مانند چاپخانه، زبانکده و هنرکده است. علاوه بر این‌ها، این انجمن‌ها می‌توانند به فعالیت‌هایی بپردازند که جنبه اجتماعی دارد و شامل کارهای است مثل ایجاد صندوق و مؤسسات خیریه، ایجاد مراکز درمانی، ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع، ایجاد مهد کودک و مراکز نگهداری سالمندان، ایجاد باشگاه‌های ورزشی و تفریحات سالم

و برگزاری مراسم و اعیاد قومی و انجام گردش‌های علمی، تفریحی و مذهبی.

ماده ۳۹ این قانون هم تأکید می‌کند که کلیه موارد مطرح شده در ماده ۳۸ یعنی انجام فعالیت‌های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی و تبصره‌های ذیل آن، نباید ناقض قوانین و مقررات مملکتی باشد و تشخیص انطباق یا عدم آن، به عهده کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب است.

اساسنامه انجمن اقلیت‌های دینی علاوه بر شرایط قید شده در تبصره ۳ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون احزاب، باید در برگیرنده رابطه انجمن با سایر اقلیت‌های دینی، رابطه انجمن با همکیشان سایر کشورها، رابطه انجمن با همکیشان خارجی مقیم ایران، رابطه انجمن با همکیشان ایرانی مقیم خارج باشد.

مروری بر فعالیت‌های انجمن‌های متعلق به اقلیت‌های دینی در ایران، نشان می‌دهد که اغلب این انجمن‌ها برای سازش با فضای سیاست‌زده و بسته ایران، به انجمن‌ها و گروه‌هایی محدود به خود تبدیل شده‌اند و نقش و اثر آنها هم به دایره معتقدان و اعضا محدود است و بیشترین گروه‌های تشکیل



شده متعلق به مسیحیان است.

به عنوان مثال در حوزه شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران، ۲۵ انجمن و باشگاه در زمینه‌های مختلف فرهنگی، امور خیریه و ورزش فعالیت می‌کنند. این انجمن‌ها و باشگاه‌ها عمدتاً تحت پوشش شورای خلیفه‌گری هستند و با آن همکاری نزدیک دارند. این انجمن‌ها مانند انجمن خیریه بانوان ارامنه تهران، انجمن چهارمحال، انجمن فرهنگی ارامنه نائیری، انجمن جامعه فارغ‌التحصیلان ارامنه دانشگاه‌های ایران، انجمن اجتماعی فرهنگی ارامنه ایران و سازمان فرهنگی آراارات تنها به برگزاری برنامه‌ها و جشن‌هایی برای اعضای خود می‌پردازند یا کارهای خیریه مثل تشکیل بازارچه، مراقبت از سالمندان و نظایر آن انجام می‌دهند.

انجمن «زن ارمنی» (های‌گین)، باشگاه «سردارآباد» و انجمن‌های شعرا و نویسندگان ارمنی، انجمن‌های معلمان، پزشکان، معماران، «وان واسپوراگان»، «انجمن زنان دوستدار کلیسا»، «جامعه صنعتگران ارمنی ایران» و... نیز تنها برای اعضای خود فعالیت می‌کنند.

انجمن آشوری‌های تهران حدود ۸۵ سال پیش، تأسیس‌شده و متولی امور فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، آموزشی آشوری‌های تهران است. در حال حاضر، حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر آشوری در ایران زندگی می‌کنند که امور فرهنگی و اجتماعی‌شان در این انجمن و از طریق زیرمجموعه‌هایی مانند کمیته بانوان، کانون ملی فرهنگی جوانان، گروه هم‌سرایان، روابط عمومی، واحد مهندسان، خیریه، واحد هنری و کمیته بین‌کلیسایی انجام می‌شود.

چنین شرایطی در مورد انجمن‌های زرتشتیان ایران هم وجود دارد: انجمن‌هایی که اغلب در مناطق محل زندگی زرتشتیان تشکیل شده و به فعالیت‌های عمومی اجتماعی یا برگزار مراسم و جشن‌های ملی و مذهبی مشغول هستند. اما آیا امکان تشکیل هیچ‌گونه گروه و انجمنی برای گروه‌هایی غیر از مسیحیان و کلیمیان و زرتشتیان ایران وجود دارد؟

اهل سنت با اینکه مسلمانند اما در سال‌های پس از انقلاب در ایران، همواره از نظر تبلیغی و آموزشی تحت فشار و محدودیت بوده‌اند و فعالیت‌های آنها از نظر گروهی تحت فشارهای امنیتی بوده است. گفتارها و نوشته‌های آنان با اعمال سانسور مضاعف مواجه شده و بارها مساجد و محافل دینی آنها ویران یا بسته شده و حتی مراسم خاص مذهبی آنها مانند نمازهای جمعه و جماعت و عیدهای قربان و فطر جز در چهارچوب سیاست‌های مشخص و مقرر و حکومتی

مجاز نیست.

در مورد بزرگ‌ترین گروه مذهبی پس از مسلمانان که پروان آیین بهاییت هستند نیز، این پاسخ منفی است. جمهوری اسلامی این آیین را ضاله می‌داند و با تشکیل هرگونه گروه و جمعی که متشکل از پروان این آیین باشد برخورد می‌کند. مشهورترین برخورد دستگیری گروهی از بهاییان ایران در سال ۲۰۰۸ است. روز چهارشنبه ۱۴ مه ۲۰۰۸ شش نفر از گروه یاران که به امور جامعه بهاییان در ایران رسیدگی می‌کنند بازداشت شدند. این اتفاق در ادامه دستگیری مهوش ثابت یکی دیگر از یاران ایران، گروه جایگزین محفل ملی ایران پس از تعطیلی نظام اداری بهائی به دستور حکومت جمهوری اسلامی ایران، در اسفند ماه ۱۳۸۶ صورت گرفت.

گروه‌های دیگری مانند اهالی فرقه‌های دینی برآمده از اسلام، دارویش و یارسان (اهل حق)، بهائی، صابئین، پیروان آئین هندو یا بودایی بر اساس قانون اساسی، حتی حق اجرای مناسک دینی، تعلیمات دینی در حوزه شخصی نیز داده نشده است و به تبع اولی، امکان رسمی تشکیل گروه و فعالیت ندارند و با برخوردهای امنیتی روبه‌رو می‌شوند.

به علاوه، بر اساس قانون تشکیل گروه‌ها، برخی تخلفات می‌تواند منجر به تعطیلی و برخورد با گروه‌ها شود که از آن جمله می‌توان به دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان، نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح‌ریزی برای تجزیه کشور، تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران، نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی، تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضره» اشاره کرد. در سایه چنین اتهام‌هایی، با فعالیت بسیاری از گروه‌ها با اتهام تبلیغ علیه نظام، که در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات ماده ۵۰۰ آمده، برخورد می‌شود. به این عنوان که «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد» و از آنجا که کلیت نظام سیاسی ایران بر اساس باور مذهبی شیعه است، هر نوع فعالیت تبلیغی سایر ادیان و مذاهب نفی مذهب تشیع تلقی می‌شود، بنابراین فعالیت تبلیغی علیه نظام و جرم محسوب می‌شود و این موضوع به ویژه در پرونده‌های مربوط به زندانیان عقیدتی نظیر بهاییان، دراویش، نوکیشان مسیحی، یارسان و اهل تسنن دیده می‌شود.

# لودیسم و چارتیسم؛ بستر ساز اتحادیه‌های کارگری



علی مهددی

قرن شانزدهم میلادی در اروپا به عنوان زمان ظهور نظام سرمایه‌داری شناخته می‌شود. در برهه تاریخی بین فروپاشی امپراتوری روم در قرن پانزدهم تا شروع قرن شانزدهم، نظام فئودالی بر اروپا و بخش‌های وسیعی از آسیا به خصوص چین، هند و ژاپن حاکم بود و در واقع می‌توان گفت نطفه نظام سرمایه‌داری در دل سیستم فئودالی بسته شد. در روم باستان، سیستم فئودالی ۹۵ درصد از کشاورزان را به استثمار خود درآورده بود و علاوه بر آن، کارگران که از نظر اجتماعی یک درجه از بردگان بالاتر بودند نیز در خدمت فئودال‌ها قرار داشتند. کارگران در آن زمان بدون این‌که هیچ گونه حقوقی داشته باشند، برای فئودال‌ها کار کرده و در عوض در بخش کوچکی از زمین زندگی کرده و از کشت و کار در همان زمین، امرار معاش می‌کردند.

تاریخ شاهد شورش‌ها و مخالفت‌های زیادی از طرف کارگران در دوره فئودالی بود. در کنار این اعتراض‌ها، گروه‌ها و سندیکا‌هایی که در آن زمان تحت پوشش «صنایع دست‌ساز» تشکیل شده بود، کمک زیادی به پیشرفت سرمایه‌داری به خصوص در زمینه‌هایی مثل اسلحه‌سازی و نساجی کرد. گروه‌ها و سندیکا‌های صنعتی از زمان شروع عصر فئودالیسم وجود داشته‌اند و در کنار آن‌ها، تجار و سرمایه‌داران مشغول گسترش دامنه فعالیت‌های خود بودند. در همین چارچوب بود که تجار برای گسترش درآمدهای خود روانه آفریقا شده و اندکی بعد ضمن کسب درآمدهای سرشار، سیاه‌پوستان را به عنوان برده به کار گرفتند. تمایل سرمایه‌داران به افزایش ثروت خود باعث شد تا شهرهایی در کنار رودخانه‌های قابل رفت و آمد بنا کنند و اندک اندک بازارهای محلی، ملی و جهانی رونق گرفته و منجر به افزایش تولید شد. مجموعه این عوامل، آغازی بر پایان عصر فئودالی و آغاز دوره صنعتی بود. در قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم و همزمان با انقلاب

صنعتی، عرصه تولید کشاورزی از تولید صنعتی به طور کامل جدا شد و انقلاب‌های بورژوازی علیه سیستم فئودالی رخ داد. از آن جایی که هیچ طبقه حاکمی، قدرت خود را به شکل داوطلبانه واگذار نمی‌کند، فئودال‌ها مقاومت زیادی در برابر سرمایه‌داران و تلاش آنها برای گسترش صنعت و کسب درآمد بیشتر کردند. نظام سرمایه‌داری بر اساس مالکیت خصوصی بر تولید و زمین بنا شده و نیاز به استثمار طبقه کارگر داشت تا بتواند سودآوری را بیشتر کند. با شکست فئودالیسم در برابر کاپیتالیسم، کارگران و کشاورزان زیادی از روستاها روانه شهرها شدند و برای کسب حقوق خود فعالیت‌هایی کردند.

## انجمن صنعتگران دستی

انجمن‌های مختلف صنعتگران دستی برای سال‌ها وظیفه‌ای دوگانه داشتند. اعضای این انجمن‌ها، از یک طرف تولیدکنندگان مستقل بودند و از طرف دیگر کارگر به حساب می‌آمدند. آنها مجبور بودند مواد خام برای تولید خود را خریداری کرده و پس از تولید، جنس‌ها را به فروش برسانند. چنین فرایندی، سد راه پیشرفت سرمایه‌داران بود. تجار بزرگ و ثروتمندان با سیطره یافتن بر منابع مواد خام، توانستند کنترل انجمن‌های صنعتگران دستی را در اختیار بگیرند و صنعتگران را به پرولتاریا تبدیل کنند تا عصر صنعتی شروع شود. شیوه کار به این شکل بود که صنعتگران در کارخانه‌های بزرگ مشغول به کار شدند و هر کدام بخشی از محصول نهایی را تولید می‌کردند تا در کنار تولیدات دیگر کارگران، کار تکمیل شود. بدین ترتیب، صنعتگران که قبلاً خود مستقلاً در قالب انجمن‌های صنعتگران دستی، تولیدات خود را روانه بازار می‌کردند، اکنون بخشی از تولید را در چارچوب یک مجموعه بزرگ‌تر در اختیار داشتند که در نهایت سود محصول پایانی روانه جیب سرمایه‌دار می‌شد.

مرحله صنعتی شدن از اواسط قرن شانزدهم شروع شد و تا انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم به طول انجامید. این مرحله در واقع آغازگر انقلاب‌های پایان قرن هجده و شروع قرن نوزده بود، چرا که پیشرفت سرمایه‌داری نیاز به افزایش تعداد کارگران داشت.

صنعتگران که دیگر قادر به مقاومت در برابر سرمایه‌داران نبودند رفته رفته تبدیل به کارگران روزمزد شدند. کمبود نیروی کار در عصر توسعه سرمایه‌داری سبب شد تا کشاورزان نیز به هیأت طبقه کارگر درآمد و با ترک زمین‌های خود روانه کارخانه‌ها شوند. در واقع می‌توان گفت که نظام سرمایه‌داری



از همان ابتدا تناقضی را با خود به همراه داشت. این نظام نمی‌توانست زنده باشد و پیشرفت کند، بدون این‌که کارگران بیشتری در اختیار داشته باشد. واقعیت این است که در عصر صنعتی شدن، گسترش نظام سرمایه‌داری با گسترش طبقه کارگر همراه شد.

#### لودیسم و شروع جنبش‌های سندیکایی در بریتانیا

بریتانیا در قرن شانزدهم، دولت کوچکی بود که ساکنان آن از ۳٫۵ میلیون نفر بیشتر نبودند که با پیشرفت اقتصادی مواجه شدند؛ پیشرفتی که سه قرن بعد باعث شد تا بریتانیا از جمله مهم‌ترین کشورهای صنعتی جهان باشد.

ظهور قوانین سرمایه‌داری در بریتانیا باعث شد تا طبقه کارگر گسترش یافته و به خاطر استثمار کارگران و پیشرفت صنعت، تراکم سرمایه ایجاد شود. در کنار این تحولات، کارگران شروع به تأسیس نهادهایی کردند تا بتوانند از طریق آنها از حقوق‌شان دفاع کنند. نخستین جنبش‌های سندیکایی در



شرح عکس: دعوت ند لود از کارگران برای تخریب کارخانه‌ها

برابر سرمایه‌داری در بریتانیا ایجاد شد تا پس از آن به دیگر نقاط جهان حتی مستعمره‌ها برسد.

از زمانی که سرمایه‌داری در بریتانیا گسترش یافت، بحران‌های اقتصادی دوره‌ای را نیز با خود به همراه آورد، به طوری که بریتانیا در سال‌های ۱۸۱۵، ۱۸۲۵، ۱۸۳۷ و ۱۸۴۰ با بحران‌هایی مواجه شد که بار اصلی فشار آن بر گرده طبقه کارگر وارد می‌شد و آنها را از نظر معیشتی در وضعیت بسیار دشواری قرار داده بود. در اوایل قرن نوزدهم کارگران برای رهایی از فشارهای سرمایه‌داران اقدام به تأسیس انجمن‌های تعاونی کردند. نخستین شورش بزرگ کارگری در چارچوب همین تعاونی‌ها رخ داد به طوری که در سال ۱۸۱۱ کارگران که «دستگاه‌های صنعتی» را عامل وضعیت نابسامان خود می‌دانستند شروع به شکستن و خراب کردن ادوات صنعتی کردند، جنبشی که کم و بیش تا سال ۱۸۱۶ ادامه یافت. این روش اغلب توسط کارگران نساجی در پیش گرفته می‌شد که جزو نخستین کسانی بودند که صنایع سنگین، حرفه‌های کوچک آنها را از بین برده بود.

رهبر جنبش تخریب ادوات صنعتی ند لود (Ned Ludd) بود که قبل از آن شهرتی نداشت؛ ولی در جریان دو شورش کارگری در سال‌های ۱۸۱۱ و ۱۸۱۲ شهرت زیادی کسب کرد. تا سال ۱۸۱۶ بسیاری از کارگران به جنبش لودیسم پیوسته و با پرداخت پول و کمک‌های مختلف آن را تقویت می‌کردند. در این دوره، برای نخستین بار اعتصاب‌های کارگری و تظاهرات اعتراض‌آمیز رخ داد تا جایی که پارلمان بریتانیا قانونی وضع کرد که بر اساس آن تخریب ادوات صنعتی، جرم تلقی شده و افراد درگیر در این روند مورد پیگرد قانونی قرار می‌گرفتند. جنبش تخریب ادوات صنعتی در عین این که برای کارگران تجربه‌ای در زمینه مبارزه با طبقه حاکم و سرمایه‌دار بود، ولی نشان از این داشت که کارگران متوجه دلیل واقعی تیره‌بختی خود نیستند و به جای این‌که سرمایه‌داران را هدف قرار دهند، رویکرد اعتراضی خود را متوجه ادوات صنعتی کرده بودند.

جنبش لودیسم خود ریشه در فعالیت‌های پراکنده سندیکایی در قرن هفدهم داشت. در آن دوره که هنوز انقلاب صنعتی شروع نشده بود، کارگران با دست زدن به اعتصاب، روند تولید را متوقف کرده و به صاحبان مشاغل ضرر می‌زدند. اعتصاب‌های پراکنده باعث تصویب قانون موسوم به ۱۸۰۰ در مجلس بریتانیا شد که بر اساس آن هر گونه اجتماعی میان کارگران و اعتصاب ممنوع شد. جنبش لودیسم و سپس اعتراض‌های مستمر طبقه کارگر سرانجام باعث شد تا پارلمان بریتانیا در سال ۱۸۲۴ قانون ۱۸۰۰ را لغو کرده و به تحریم و ممنوعیت اعتصاب‌های کارگری خاتمه دهد. تعلیق این قانون، شروع فعالیت‌های سندیکایی رسمی در بریتانیا یا به عبارت دیگر آغاز مرحله «تأسیس اتحادیه‌ها» بود.

#### رابرت اوون و پایه‌گذاری جنبش‌های سندیکایی

مبارزات طبقه کارگر در بریتانیا که هنوز شکل، انسجام و

هماهنگی سازمانی پیدا نکرده بود، تنها به دنبال لغو قانون ۱۸۰۰ نبود؛ بلکه موضوع انتخابات و مشارکت مردم در آن نیز از جمله مطالبات این جنبش نوظهور بود. در سال‌های ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۲ که انتخابات در بریتانیا شروع شده بود، تنها ۱۶۰ هزار نفر از سرمایه‌داران و خانواده‌های مشهور حق رای داشتند. این در حالی بود که جمعیت بریتانیا در آن زمان به نزدیک ۱۶ میلیون نفر رسیده بود.

در شرایطی که سرمایه‌داران بزرگ، هدایت کشور را بر عهده داشته و جلوی هر گونه تغییری ایستادگی می‌کردند، برخی از سرمایه‌داران خرده‌پاتر به جنبشی پیوستند که صف جلویی آن را کارگران تشکیل داده و از جمله مطالبات این جنبش، افزایش تعداد واجدان حق رای بود. این جنبش در سال ۱۸۳۲ به پیروزی مختصری دست یافت به طوری که تعداد واجدان شرایط رای‌دهی از ۱۶۰ هزار به ۳۲۰ هزار نفر افزایش یافت. با کسب این دستاورد، سرمایه‌داران کوچک با خیانت به کارگران از جمع آنها خارج شده و به طبقه حاکم پیوستند.

رابرت اوون که از رهبران این جنبش بود، به مبارزات خود ادامه داد و این بار کاهش ساعت کار کارگران را هدف قرار داد. مبارزات اوون در سال ۱۸۴۷ به نتیجه رسید و قانونی در بریتانیا وضع شد که بر اساس آن کارگران به جای پانزده ساعت کار روزانه، حداکثر ده ساعت کار می‌کردند. تصویب این قانون باعث شد تا جامعه سرمایه‌داری حاکم بر بریتانیا در نخستین اقدام خود برای مقابله با آن، دستمزد کارگران را کاهش دهد.

رابرت اوون که جزو طبقه ایده‌آلیست محسوب می‌شد، زمین‌داری طرفدار حقوق کارگران و ایجاد مدینه فاضله بود. وی که اطلاع دقیقی از شرایط کارگران داشت، تلاش کرد تا وضعیت آنها را سر و سامان بخشد و به همین منظور اصلاحاتی را در کارخانه بزرگ نخ‌ریسی خود انجام داد. طبق این اصلاحات، دستمزد کارگران افزایش یافته و برای آنها مسکن و مدرسه فراهم شد. با این که در برهه‌ای به خاطر بحران پنبه، کار کارخانه برای مدت چهار ماه متوقف شد، ولی اوون در تمام این مدت دستمزد کارگران را پرداخت می‌کرد. اوون در سال ۱۸۱۷ طرح «روستاهای خودکفا» را ارائه کرد، طرحی که گمان می‌کرد با اجرای آن، استثمار و فقر ریشه‌کن می‌شود. بر اساس طرح اوون، روستاها به ادوات صنعتی مجهز می‌شدند و کارگران برای رفع نیازهای خود در کارخانه‌های محلی کار کرده و خودکفا می‌شدند. سان سیمون، فوریه و رابرت اوون سه روشنفکر ایده‌آلیستی بودند که مدعی نمایندگی طبقه نوپای کارگر یا هر طبقه دیگری نبودند؛ بلکه رهایی بشریت را هدف قرار داده بودند.

برنامه‌های اوون با سد حکومت واپس‌گرای وقت بریتانیا مواجه شد و اوون در سال ۱۸۲۵ به آمریکا مهاجرت کرد و زمینی خرید و سعی کرد افکار خود را در آمریکا گسترش دهد. ایرادی که به افکار اوون وارد شده این است که وی قصد داشت در دل سیستم سرمایه‌داری حاکم بر آمریکا و بریتانیا،



#### شرح عکس: رابرت اوون

جزیره‌هایی خودکفا ایجاد کند؛ بدون این‌که به تضارب اهداف کارگران و سرمایه‌داران فکر کرده و راهکاری برای آن داشته باشد. بدین ترتیب بود که تمامی تلاش‌های اوون در آمریکا نیز به شکست رسید و وی در سال ۱۸۲۸ به بریتانیا بازگشت. در آن زمان، کارگران بریتانیا در وضعیتی بسیار انقلابی بودند. اوون با طرح برنامه همکاری عمومی خود محبوبیت گسترده‌ای میان کارگران کسب کرده و تا سال ۱۸۳۳ موفق شد صدها هزار کارگر را به عضویت تعاونی‌های کارگری خود درآورد. ۱۸ ژوئن ۱۸۳۳ اوون کنفرانسی سراسری را در لندن برگزار کرد و در جریان آن «اتحادیه میهنی» را تأسیس کرد. هر چند که این اتحادیه عمر زیادی نداشت؛ ولی با تمامی انجمن‌ها و اتحادیه‌های محلی سابق تفاوت داشت و کارگران زیادی فارغ از شغل، حرفه و محل زندگی‌شان در آن عضو بودند. ظرف چند هفته تعداد اعضای این اتحادیه به نیم میلیون نفر رسید و اوون به عنوان رییس آن انتخاب شد.

در سال ۱۸۳۴ حکومت بریتانیا که از این جنبش مردمی فراگیر دچار هراس شده بود، به قانونی مصوب ۱۷۹۷ متوسل شد که مطابق با آن عضویت در هرگونه گروه غیر قانونی جرم بود. در نتیجه فشارهای حکومت بر کارگران، اتحادیه میهنی شکست خورده و رهبران آن دستگیر شدند و کارگران نیز مجبور به امضای تعهدنامه‌هایی شدند که به «قراردادهای



سگی» مشهور شدند و هدف از آن، جلوگیری از شکل گرفتن هر گونه اتحادیه کارگری بود.

### جنبش چارتیستی

سه سال پس از فروپاشی اتحادیه میهنی و علی‌رغم این‌که طبقه کارگر زیر شدیدترین فشارها بوده و اکثر رهبران آن دستگیر شده بودند، جنبش چارتیسم شروع شد که روح جدیدی در کالبد طبقه کارگر بریتانیا دمید و اصلی‌ترین هدف آن پایان دادن به نظام سیاسی واپس‌گرای بریتانیا بود. چارتیست‌ها حق انتخاب را از جمله پایه‌های جنبش خود دانسته و معتقد بودند که هیچ پیشرفتی حاصل نمی‌شود مگر این‌که اکثریت مردم در انتخابات نقش داشته باشند.

جنبش چارتیسم توسط ویلیام لوویت یکی از شاگردان رابرت اوون در سال ۱۸۳۶ راه افتاد. وی در آن سال خواسته‌های شش ماده‌ای خود در مورد حقوق انتخاباتی مردم را علنی کرد:

۱. حق رای برای تمامی شهروندان بالای ۲۱ سال
۲. انتخابات پارلمانی هر سال برگزار شود
۳. انتخابات به شکل برابر و در مناطق مختلف برگزار شود
۴. اعضای مجلس مصونیت داشته باشند
۵. رای‌دهی در انتخابات به شکل محرمانه باشد
۶. لغو شرط تمکن مالی برای عضویت در پارلمان

این برنامه زمانی در بریتانیا مطرح شد که کشور در بحران اقتصادی عمیقی قرار داشت که برای هفت سال از ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۲ طول کشیده و تاثیرات منفی زیادی بر طبقه کارگر



شرح عکس: نمونه‌ای از اطلاعیه‌های جنبش چارتیستی

به خاطر افزایش بیکاری گذاشته بود. در کنار آن بسیاری از سرمایه‌داران خرده‌پا نیز از حق رای محروم بودند و به همین دلیل به چارتیست‌ها پیوستند. چارتیست‌ها تلاش کردند تا سندی شامل خواسته‌های شش ماده‌ای خود را به امضای مردم رسانده و برای پارلمان ارسال کنند.

در عین حال، جنبش چارتیسم رهبری مشخصی نداشت و در مورد بسیاری از مسایل از جمله تاکتیک‌های دستیابی به هدف اختلاف نظر وجود داشت و به همین دلیل این جنبش به دو بخش «راست» و «چپ» تقسیم شد. جناح راست خواستار تفاهم با سرمایه‌داران و قانع کردن آنها نسبت به حقوق کارگران از طریق خاتمه دادن به اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها بود و در مقابل جناح چپ معتقد بود که اگر سند شش ماده‌ای توسط پارلمان رد شود، باید دست به اعتصاب گسترده، شورش و خشونت زد. آنها در بیانیه‌ای اعلام کردند که حتی‌الامکان به حفظ صلح و آرامش پایبند هستند ولی اگر مورد خشونت قرار گیرند، از مقابله به مثل خودداری نخواهند کرد. برخی از چارتیست‌ها با افکار رابرت اوون برای تشکیل جامعه اشتراکی توافق نظر داشتند و برخی دیگر تنها خواستار بهبود وضعیت کارگران بودند. در این میان، کارگران به دنبال کاهش ساعت کار به هشت ساعت در روز و افزایش دستمزدهای خود بودند. سند شش ماده‌ای در ژوئیه ۱۸۳۹ با امضای یک میلیون و دویست هزار نفر به مجلس فرستاده شد، ولی پارلمان بلافاصله آن را رد کرد. حکومت بریتانیا بلافاصله دست به بازداشت رهبران چارتیست‌ها زد و با ضربه‌ای که این جنبش خورد، به این نتیجه رسید که شرایط برای دست زدن به اعتصاب و شورش گسترده فراهم نیست.

ضعف این جنبش به خاطر در زندان بودن چهره‌های موثر آن برای یک سال تا ۱۸۴۰ ادامه یافت. در این سال، بسیاری از رهبران چارتیست‌ها از زندان آزاد شده و «مجمع چارتی» را تشکیل دادند. مجمع چارتی نخستین حزب کارگری تاریخ است که با افزایش تعداد اعضایش اندکی بعد از تاسیس، راهپیمایی بزرگی را به سمت پارلمان بریتانیا برگزار کرده و طوماری شامل خواسته‌های خود با سه میلیون و سیصد هزار امضا به مجلس تحویل داد.

این جنبش در تابستان ۱۸۴۲ به اوج فعالیت‌های خود رسید و تصمیم به اجرای شورش فراگیر گرفت ولی این برنامه به خاطر این‌که زمان برای هماهنگی کافی نداشت و کارگران نیز آن را برنامه‌ای غیر منتظره می‌دانستند به نتیجه نرسید، چرا که در ساعت صفر تعیین شده، افراد کمی در شورش عمومی شرکت کرده و بلافاصله توسط حکومت سرکوب شدند.

چارتیست‌ها در شرایطی که سرمایه‌داران بریتانیا با بحران مالی مواجه بودند، کارگران را وارد وضعیتی انقلابی کرده و به زودی دامنه این جنبش از بریتانیا فراتر رفت و به فرانسه و سپس ایتالیا، مجارستان و آلمان رسیده و جنبش‌های کارگری در سراسر اروپا به راه افتاد که منجر به تاسیس احزاب و سندیکا‌های مختلف کارگری شد.



کامبیز غفوری

حق تشکیل سندیکا، یکی از حقوقی است که به کارگران امکان می‌دهد تا با کمک تشکلهای صنفی خود، روابطشان را با کارفرما تنظیم کنند. این حق با توجه به قوانین کار در ایران، در زمان حال و همچنین در دوران گذشته، چگونه بوده است؟ مهدی کوهستانی، یکی از کنش‌گرهایی است که در ارتباط با سندیکاها و اتحادیه کارگری فعالیت می‌کند. او از اوایل دهه ۹۰ در اتحادیه خدمات عمومی کانادا در دانشگاه تورنتو به فعالیت پرداخت؛ چهار دوره در انتخابات مجمع عمومی کارگران به ریاست دوره‌ای شعبه ۳۲۶۱/انتخاب شد و در رابطه با مذاکرات

## قوانین کار ایران از دیدگاه یک فعال کارگری

مربوط به قراردادهای جمعی کارگران بخش فنی و خدماتی، پی‌گیری شکایت‌های کارگران در اداره کار و داور، ایمنی کار و آموزش و سازماندهی کارگران، مشارکت داشت.

کوهستانی که سابقه دو دوره عضویت در هیأت مدیره و یک دوره نیابت ریاست اتحادیه خدمات عمومی ایالت اونتاریو را در کارنامه دارد، در حال حاضر در شاخه اونتاریو کنگره کارگران کانادا فعال است.

آن‌چه در ذیل می‌خوانید، مصاحبه مجله حقوق ما با این فعال کارگری در زمینه قوانین مربوط به کارگران است.

**حقوق ما: آقای کوهستانی، نخستین تلاش‌ها در ایران برای تصویب قوانینی که متضمن حقوق کارگران باشد، از چه زمانی آغاز شد؟**

اگر بخواهیم قانون کار ایران را بررسی کنیم، باید از سال ۱۹۰۰ میلادی شروع کنیم. چون قبل از سال ۱۹۰۰، جامعه ما یک جامعه کشاورزی بود و بعد از این سال است که در جامعه، نیروی کار به وجود می‌آید.

اولین قانون کاری که در ایران نوشته شده، به دست والی کرمان تنظیم شد و شامل این بود که کارگران قالی‌باف، هشت ساعت







کار کنند، دختران با سن زیر ۱۰ سال به کار گرفته نشوند، شرایط کارگاه طوری باشد که زیر زمین نباشد و پنجره‌ای رو به آفتاب داشته باشد.

#### این قانون در چه سالی تنظیم شد؟

سال ۱۳۰۲ تصویب شد. بعد از آن ما می‌بینیم که در سال ۱۳۰۹، قانون دیگری در مجلس تصویب می‌شود در این باره که یک شاهی یا دو درصد از حقوق کارگران را بر دارند تا در زمان از کار افتادگی یا در صورت وقوع حوادث کاری، تدابیری پیش‌بینی شده باشد. این قانون در ۱۳۰۹ به مجلس می‌رود ولی در سال ۱۳۱۱ تصویب می‌شود.

اولین ادارهٔ امور کارگری را در کشورمان در سال ۱۳۱۴ داریم که نظام‌نامهٔ کارخانجات و موسسات صنعتی است. این قانون در سال ۱۳۱۵ تصویب می‌شود. باید در نظر بگیریم زمانی که داریم از آن صحبت می‌کنیم، دور و بر ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰، عملاً کل کارگران ایران ۳۰۰ هزار نفر بیشتر نبودند.

در همان سال‌ها که می‌بینیم این‌ها دارد تصویب می‌شود، ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ می‌آید که آن را قانون سیاه می‌نامند. این قانون پس از اعتصاب کارگران نساجی اصفهان تصویب شد.

در واقع، بختک عمیقی در قوانین ایران بین ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ وجود دارد. جالب است که در زمان‌های قدیم، اگر عموم شکایتی داشتند، معمولاً به دو جا مراجعه می‌کردند: یا می‌رفتند

سفارت انگلیس یا روسیه. برای مثال، این کارگران قالی‌باف یا تلگرافخانه، باید می‌رفتند آن‌جاها شکایت می‌کردند.

یعنی با این‌که مثلاً در سال ۱۳۱۴ نظام‌نامه کارخانجات و موسسات صنعتی تصویب می‌شود، اما در بطن جامعه شکل نمی‌گیرد.

#### یعنی آزادی‌های سیاسی بعد از شهریور ۲۰ کمک می‌کند؟

در دهه ۱۳۲۰ عملاً با اشغال روبه‌رو هستیم. جنگ جهانی بود؛ ایران در اشغال بود. حزب توده در آن زمان تاسیس شد و در عمل با سازماندهی کردن کارگران کمک بسیاری کرد. این را بگویم که ما از همان سال‌های ۱۳۰۵ به بعد، یک مشکل اساسی در جنبش کارگری ایران داشتیم و همین بود که همواره احزاب سیاسی و نهادهای سیاسی بودند که تشکلهای کارگری را درست می‌کردند. ولی همان زمان که نگاه کنیم، در شرایط اشغال، پرچمدار جنبش کارگری ما که حزب توده بود در ۱۳۲۳، پنجاه هزار عضو داشت، در سال ۱۳۲۴، صد هزار عضو و در سال ۱۳۲۵، ۲۳۵ هزار عضو داشت. در واقع تشکل کارگری ما رشد ویژه‌ای یافته بود.

در همین دوره است که می‌بینیم در دل جامعه، تشکلهای کارگری که زیرمجموعه احزاب هم هستند، شکل می‌گیرند. یعنی اتحادیه کارگری ایران که علی‌امید با خلیل انقلاب‌آذر

درست می‌کنند یا کانون کارگران راه‌آهن که رضا ابراهیم‌زاده پایه می‌گذارد یا اتحادیهٔ زحمت‌کشان که بخشی از شورای متحدهٔ مرکزی کارگران هستند و دو نشریه هم داشتند به نام‌های ظفر و بشر- شکل می‌گیرند و سازمان‌دهی نیز می‌کنند.

#### تلاش‌ها در این دهه به چه نتیجه‌ای رسیدند؟

در همان سال ۱۳۲۵ دولت [احمد] قوام عملاً تمام خواسته‌های شورای متحده کارگری را -اگرچه روی کاغذ- اما کاملاً قبول می‌کند. در آن زمان، این خواسته‌ها که قوام می‌پذیرد، بسیار مترقی بودند. حتی برای این زمان نیز بسیار پیشرو محسوب می‌شوند.

#### این خواست‌ها چه بوده‌اند؟

برای مثال، ۸ ساعت کار، پرداخت دستمزد آخر هفته، پرداخت بیمهٔ بیکاری.

و بر همین اساس می‌بینیم که در ۲۲ تیرماه سال ۱۳۲۸، قانون کار ما تصویب می‌شود. پیشتر در سال ۱۳۲۳ اداره کار، زیر مجموعه وزارت بازرگانی و پیشه به وجود آمده بود. این مجموعه در ۱۳۲۸ قانون را ارایه می‌دهد که تصویب می‌شود. در واقع توافق ۱۳۲۵ با قوام، در سال ۱۳۲۸ تبدیل به یک قانون کار می‌شود.

#### تا اینجا در قوانین، حق تشکیل سندیکا را داریم؟

به هیچ وجه! ما تا امروز هم هنوز داریم ذیل قانون سیاه ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ فعالیت می‌کنیم. هنوز در جنگی بین تجدد و سنت مانده‌ایم. ما یک جنگ درونی همیشه داشته‌ایم در خودمان که به استبداد حکومتی یک سری افراد ختم شده.

#### ما یعنی چه کسانی؟ جنگ درونی میان چه کسانی؟

مردم ایران

#### پس منظورتان به طور اخص کارگران نیستند.

خب! ببینید وقتی یک کشوری قانونی تصویب می‌کند. ما در کانادا به عنوان نمایندهٔ کارگران وقتی می‌خواهیم قانونی تصویب کنیم، بعنوان مثال قانون علیه اعتصاب‌شکنی، ایمنی کار، بیمه‌های اجتماعی و بازنشستگی، این پروسه‌ای دارد. ما به عنوان نهادهای کارگری، قوانین را پیشنهاد می‌کنیم؛ در محیط‌های کار توضیح می‌دهیم، به سطح جامعه منتقل و در مطبوعات تشریح می‌کنیم. ما این‌ها را در ایران نداشته‌ایم.

زمان رشد، زمان جنگ جهانی دوم بوده که در آن زمان قوانینی در کشور تصویب می‌شود که قانون سید ضیاء ۱۹۲۱، در زمینهٔ بهداشت عمومی و حمایت از مصرف‌کننده و قانون‌هایی علیه بیکاری نوشته می‌شوند. نیروهای اصلی اجتماعی بسیار مدرن فکر می‌کردند و سنت را عقب زده بودند. اما چون سنت همیشه در تقابل بوده، ما با یک مشکل اساسی مواجه می‌شویم که به جنبش کارگری هم ضربه می‌زند.

به هر روی، جامعهٔ ما سال ۱۳۲۸ اولین قانون کارش را تصویب می‌کند؛ قانونی که دوباره در ۱۳۳۷ توسط کمیسیون کار مجلس شورای ملی و سنا تصحیح و بندهایی بدان افزوده می‌شود.

یک بار دیگر هم این قانون در سال ۱۳۴۳ تصحیح می‌شود؛ اما بهترین قانون کار تاریخ ایران، در مهر ماه ۱۳۵۷ بوده که مشتمل بر ۱۲۹ ماده و تبصره تصویب می‌شود اما پس از انقلاب بهمن ماه، عملاً به کنار می‌رود.

#### یعنی قوانین بعدی، از آن عقب‌تر بوده‌اند.

بله. الان شرایطی داریم که هنوز از خواسته‌های قانون ۱۳۰۲ هم که دربارهٔ دختران قالی‌باف بوده، عقب‌تریم. هنوز در ایران، دختران قالی‌باف بعد از ۹۵ سال، گاه تا ۱۶ ساعت در شرایط نامناسب کار می‌کنند.

بعد از انقلاب قانون ۵۷ را کنار گذاشتند و اولین پیش‌نویس قانون کار ما بعد از انقلاب، در سال ۱۳۶۰ تحویل مجلس شد که کیهان آن را روز ۳۰ آذر ۶۱ منتشر کرد اما با کلی فراز و نشیب، سرانجام سال ۱۳۶۶ در مجلس تصویب شد. با این حال، رفت به شورای نگهبان و یکسری نظر هم این شورا داد و باز برگشت و سه سال دیگر طول کشید تا در نهایت سال ۱۳۶۹ ما دارای قانون کار شدیم!

#### در این ۱۲ سال خلأ قانونی بوده؟ یا مثلاً از قانون‌های قدیم استفاده می‌شده؟

ما تمام قوانینمان، حتی قوانین بیمهٔ تأمین اجتماعی که در ایران تصویب می‌شود، هنوز هم بر اساس آن قانون تأمین اجتماعی دوران پهلوی است. یعنی عملاً هنوز بند ناف این رژیم، به آن رژیم بسته است و تغییری نکرده؛ بدتر شده که بهتر نشده.

سال ۶۹ قانون کار تصویب شد. این قانون، ۲۰۳ ماده داشت و ۱۲۱ تبصره؛ بعد از تصویب در سال ۱۳۶۹، از ۲۸ بهمن تا ۱۴ اسفند ۶۹، نشریات رسمی، این قانون کار تصویب‌شده را لازم‌الاجرا می‌کنند؛ یعنی اگر ما در این ۱۲ سال قانون کاری نداشته‌ایم و هر کارفرمایی، هرجوری که دلش خواسته، کار کرده، بالاخره حالا در سال ۱۳۶۹ قانون کار تصویب می‌شود. اما مشکل این‌جاست که قانون کار ۱۳۶۹، هنوز دو سال از اجرایی‌شدنش نگذشته که دولت هاشمی رفسنجانی خواهان تغییر آن می‌شود.

#### یعنی موقعی که اولین روند آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی بعد از انقلاب آغاز شد.

دقیقاً! چرا می‌خواست این قانون را عوض کند؟ چون می‌گفت این قانون کار، به درد سازمان تجارت جهانی نمی‌خورد و یک جاهایی از آن را باید تغییر بدهیم. چون نهادهای بین‌المللی قوانین کشورها را هم در نظر می‌گیرند برای عضویت، به این سادگی نیست که هر کشوری ببرد، آن را به عضویت بپذیرند!





آقای رفسنجانی گفت ما باید این را با قوانین جهانی تنظیم کنیم.

قانون را تغییر دادند و اتفاقاً نتیجهٔ قانون مصوب سال ۱۳۷۲ او نیز، ۵۰ درصد تورم بود!

چه آقای رفسنجانی و چه بعد از او، آقای خاتمی، دو قانون را دنبال کردند که بحث اساسی دارد. این دو قانون این است که بخش‌های اساسی مواد قانون‌های کار ما، کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر را شامل نشود. یعنی عملاً هیأت وزیران در ۲۹ دی‌ماه ۱۳۸۱ با شعار طرح اشتغال‌زایی، قانون کاری را تصویب می‌کنند که اولاً مناطق آزاد تجاری مثل کیش و غیره، قانون کار شامل‌شان نشود؛ و ثانیاً عملاً کارگاه‌های زیر ۱۰ نفرمان از قانون کار خارج شوند.

ما داریم از کشوری صحبت می‌کنیم که بخش عظیمی از نیروی کارش در کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر کار می‌کنند و عملاً قانون کار شامل‌شان نمی‌شود. اول گفتند این قانون سه ساله است اما تا به امروز برگردانده نشده!

در سال ۱۳۱۰، دولت وقت به ۴۰ ساعت کار رأی داده بود، اما در سال ۱۳۸۱، به ۴۴ ساعت کار -که در چهار هفته متوالی از ۱۷۶ ساعت تجاوز نکند- رأی دادند! اگر نگاه کنید، می‌بینید که دولت و جامعه امروزمان عقب‌تر از ۹۰ سال قبل است.

این که می‌بینیم خیلی از محیط‌های کار ما زنان حداقل دستمزد را دریافت نمی‌کنند، یا گاهی شاهدیم تا سه سال به کارگران حقوق نمی‌دهند، دلیلش این است که حتی همین قانون کار موجود، شامل بخش عمده‌ای از نیروی کار ما نمی‌شود و هیچ‌گونه ضمانت اجرایی ندارد.

#### به این قوانین اعتراض‌هایی هم شد؟

بله! ببینید! درست در همان بحبوحه ۱۳۲۵ که قوام خواست کارگران را پذیرفت، دو رویداد دیگر هم اتفاق می‌افتد. ایران برای اولین بار تشکل‌های کارگری‌اش، مثل شورای متحده کارگری را می‌فرستد به سازمان جهانی کار که در پاریس نشست داشتند و در همان زمان، تشکل‌های کارگران ایرانی، عضو فدراسیون جهانی اتحادیه کارگری می‌شوند.

دیگر این‌طور نبود که اگر گیر کنند، مثل زمان قبل از آن، بروند کنسولگری و غیره و ذلک. دیگر از ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ اگر کارگران ایران مشکلی داشتند، از طریق بین‌المللی جلو می‌رفتند؛ یعنی فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری شکایت کارگران ایران را پیش می‌برد.

درست همین امر در سال ۱۳۷۱ اتفاق افتاد. یعنی رفسنجانی خواهان تغییر قانون کار می‌شود و این بار محل رجوع به اتحادیه های کارگری جهانی، سازمان جهانی کار بود. یک چیز دیگری که شکل گرفت بعد از دوران رفسنجانی، این بود که در زمان خاتمی، در ۲۷ سپتامبر تا ۳ اکتبر سال ۲۰۰۳، نشستی در تهران برگزار شد درباره آزادی انجمن‌ها.

سازمان جهانی کار را آوردند تا ببینند ایران چطور می‌تواند موانع را کنار بگذارد که بشود عضو سازمان تجارت جهانی. یعنی

رأی داد و تلاش کرد که با مبارزه با بیکاری و توزیع ارزاق کوپنی، با قحطی مبارزه کند. اما الان سال‌هاست که در تحریم هستیم و حکومت برایش مهم نیست بر سر مردم چه می‌آید. من می‌خواهم بگویم که از ۱۳۲۰ تا ۱۳۹۵، زمانی معادل ۷۵ سال گذشته و هنوز مجلس به پای ۱۳۲۰ نمی‌رسد.

قوانین ما امروزه بر مبنای شرایط واقعی مردم در جامعه نیست، بلکه بر مبنای ایدئولوژی حاکمیت است.

می‌خواهم بگویم از سال ۱۳۸۳ تا الان را که نگاه کنیم، می‌بینیم مجلس پشت سر همدیگر قوانینی را تصویب کرده که دست کارفرما بیشتر و بیشتر باز گذاشته شود.

هم‌اکنون هم ۸۶ ماده در قانون کار را دولت همین شش ماه گذشته تقدیم مجلس کرده و غیر از قوانین قرارداد موقت و انقضای قرارداد و غیره، آیین‌نامه‌های انضباطی، استعفای کارگر تا مهم‌ترین چیزش که از بین بردن نقش نهادهای کارگری در محیط کار است، در آن گنجانده شده.

تنها در صورتی که نهاد کارگری درست و اصولی داشته باشیم، ممکن است بتوانیم حق کارگر را بگیریم.

#### و شرایط امروز؟

ببینید! سال ۱۳۰۲ که اولین قانون کارمان را می‌نویسند، زمانی بود که اصلاً قانون کار در خیلی از کشورهای دیگر منطقه وجود نداشت؛ اما آن آدم‌ها پیش‌بینی می‌کردند و تلاش می‌کردند برای یک جامعه بهتر. اما الان قانون‌گذاران ما اصلاً نمی‌پرسند چرا باید خصوصی‌سازی کنیم؟ دست دولت را ببندیم و بگذاریم بازار تعیین کند؛ آن‌هم ما که یک کشور تولیدی نیستیم و تمام درآمدمان نفتی است و در آن دزدی و فساد بالاست؛ مرگ یک جامعه جلومان قرار گرفته است؛ قوانینی که دارند تصویب می‌شوند، شرم‌آور است.

#### از نظر شما چه تلاش‌هایی برای تغییر و اصلاح قوانین لازمند؟

قانون ما به تشکل اجتماعی حق نمی‌دهد. سندیکا یک تشکل اجتماعی است؛ نهادی است که بتواند حق همه را در نظر بگیرد. اگر می‌بیند که زنان ما حداقل دستمزد را نمی‌گیرند، سندیکایی می‌خواهیم که صدای آن‌ها باشد. اگر جوانان ما بیکار هستند و یا تبعیض در محیط کار است، دستمزدها پرداخت نمی‌شود. سندیکا می‌تواند نمایندگی واقعی حق زحمتکشان را بر عهده داشته باشد. تشکل‌های مستقل کارگری ما سال‌هاست دارند حرفش را می‌زنند. در دهه پنجاه کارگران فلزکار، کفش بلا، روغن‌سازی، همه به فکر تشکل‌سازی بودند. به نظرم تلاش کارگران دارد صورت می‌گیرد؛ همان پنج هزار تجمع سالیانه که گفتم بخشی از آن است. در دل مبارزه است که راه‌های جدید به وجود می‌آیند. من به متمر ثمر بودن مبارزات کارگران برای رسیدن به قانون‌های عادلانه و زندگی در شأن انسان امروز، امید دارم.

غیر از آن که قوانین خودش را تغییر داد که نیروی کار ارزان شود و ساعت کار بیشتر شود و بتوانند کارگر را راحت‌تر اخراج کنند و خسارت ندهند، یک معضل دیگر را نیز باید حل می‌کرد. این معضل، قانون آزادی سندیکاها و انجمن‌های صنفی بود که می‌بایست تصویب کند و در این باره با سازمان جهانی کار به توافق برسد. در نشست دولتی‌ها با سازمان جهانی کار، طرف ایرانی به یک فریبکاری دست زد. یعنی به جای سندیکا یا اتحادیه، اسم انجمن صنفی یا همان شوراهای اسلامی کار را آورد. در واقع، با یک لغت بازی کرد تا بگوید ما به تشکل‌ها آزادی می‌دهیم.

#### یعنی شورای اسلامی کار را به جای سندیکا جا زد؟

بله! اتفاقاً از سال ۲۰۰۳ به بعد است که تاریخ جنبش کارگری و مبارزات کارگران ایران عوض شد. بعد از آن بود که نقش نیروهای اجتماعی بخصوص نهادهای کارگری در خارج از کشور هم برجسته شد؛ چرا که می‌گفتند چیزی که امضا شده درست نیست و این‌ها تشکلات دست‌ساز خود حکومت هستند و نیروهای حراستی هستند که سیاست‌های دولت را در محیط کار اجرا می‌کنند.

این‌جا مسألهٔ دیگری پیش می‌آید و آن اینکه سازمان جهانی کار از طریق کنفدراسیون‌های جهانی شروع کرد به ارتباط‌گیری. یعنی وقتی می‌رفت در ایران کارگاه آموزشی یا نشستی داشته باشد، آنجا بود که نیروهای صنفی می‌گفتند اگر بحث فصل ششم قانون کار را (درباره توسعه انجمن‌های صنفی) با دولت ایران توافق کرده‌اید، آن‌گاه دیگر حق ماست که شرکت کنیم و آنهایی که می‌آیند، نماینده واقعی کارگران نیستند. کم‌شدن فشار بر روی فعالین کارگری (زندان-بیکاری) را باید در این راستا دید.

#### تلاش کارگران امروز برای دست‌یابی به حقوق‌شان یا تغییر قوانین به نفع خواسته‌هایشان، چگونه است؟

اگر نگاه کنیم در هر سال طبق آمار خودشان، سالانه ۵۰۰۰ اعتراض کارگری داریم. اگر در هر اعتراض، پنج نفر را در نظر بگیریم که نقش تعیین کننده داشته‌اند، یعنی عملاً ۲۵ هزار نیروی کار آگاه و روشن در محیط کار داریم. اینجاست که دوباره می‌رویم سر این لایحه که وزارت کار تا امروز هم دارد با آن بازی می‌کند و همان فصل ششم قانون کار است درباره حق تشکل.

ببینید ما در اصل در این مدت سال ۱۳۶۹ تا کنون، در ۲۵ سال گذشته، ما اصلاحیه‌های زیادی را در رابطه با قانون کار دیدیم. یعنی ماده ۱۹۱ قانون کار را تغییر دادند که خیلی راحت بتوانند کارگر را اخراج کنند؛ یا ماده ۱۰۴ را که برنامه چهارم توسعه اقتصادی را در عمل طوری تنظیم کردند که دست خصوصی‌سازی باز بشود.

یعنی قانون‌گذاران ما الان قانون‌گذار نیستند. ما در زمان جنگ در ۱۳۲۰، کابینه کشورمان به قانون ملی شدن صنایع و منابع



# حق تشکیل سندیکاها در ایران



حق تشکیل سندیکاها از حقوق بنیادی کارگران و از جمله حقوقی است که در اسناد حقوق بشری نیز به آن پرداخته شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد و کنوانسیون حقوق مدنی-سیاسی بر این حق تاکید کرده‌اند. سازمان بین‌المللی کار نیز در اسناد مختلفی به مساله آزادی فعالیت‌های سندیکایی پرداخته و دولت‌های عضو را ملزم به تامین و تضمین این حق برای کارگران کرده است.

براساس اصل ۲۶ قانون اساسی ایران نیز حق تشکیل «انجمن‌های صنفی» مورد اشاره قرار گرفته است. هم‌زمان در قانون کار نیز قواعدی برای فعالیت انجمن‌های کارگری ذکر شده، گرچه محدودیت‌ها در این قوانین موجب شده است تا تنها برخی تشکلهای نزدیک به حکومت - نظیر خانه کارگر - در میان کارگران امکان فعالیت داشته باشند. نباید فراموش کرد که براساس منشور سازمان ملل، تشکلهای کارگری باید داوطلبانه و آزاد تشکیل شوند و در تعیین اساسنامه خودشان آزاد و مختار باشند - مشروط بر این که اهداف اساسنامه با قوانین جاری کشور مخالف

نباشد.

ایران همچنین از اعضای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که براساس ماده ۲۲ آن «هرکس حق اجتماع آزادانه با دیگران دارد از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه‌های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود؛ و اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نمی‌تواند باشد مگر آن‌چه به موجب قانون مقرر گردیده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی و نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد، این ماده مانع از آن نخواهد بود که اعضای نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق تابع محدودیت‌های قانونی بشوند.»

از مهمترین مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار در ارتباط با آزادی انجمن‌ها و سندیکاها، می‌توان به مقاوله‌نامه ۸۷ درباره حق آزادی ایجاد تشکلهای و مقاوله‌نامه ۹۸ درباره حق تشکل و مذاکرات دسته جمعی اشاره کرد. از آنجا که تعدادی از کشورها، چهار پیمان

بنیادین سازمان جهانی کار، از جمله این دو مقاوله‌نامه، را امضا نکرده بودند، حدود دو دهه پیش پیمان حقوق بنیادین کار به تصویب این سازمان رسید که دربرگیرنده چهار پیمان اساسی سازمان جهانی کار است.

براین اساس دولت‌های عضو سازمان جهانی کار، صرف‌نظر از اینکه این که چهار پیمان را امضا کرده باشند یا نه، ملزم به رعایت این چهار پیمان شدند. در پیمان حقوق بنیادین کار تاکید شده است که این حقوق جهان شمول است و درمورد همه مردم در همه کشورها صرف نظر از سطح توسعه اقتصادی آن‌ها باید رعایت شوند.

براساس مقاوله‌نامه ۸۷ کارگران و کارفرمایان حق تشکیل سازمان دارند، و تنها بسته به قوانین موردنظر سازمان می‌توانند به دیگر سازمان‌ها به انتخاب خودشان بدون هیچگونه مجوز قبلی بپیوندند، همچنین حق تهیه و تدوین اساس‌نامه‌ها و قوانین، انتخاب نمایندگان به عهده تشکلهای کارگری است و حق دارند که نحوه اجرا و فعالیت‌ها را به خواست خودشان سازماندهی کنند. از سوی دیگر، مقام‌های حکومتی و دولتی باید مانع از هرگونه مداخله‌ای

شوند که این حق را محدود می‌کند یا برای بهره‌مندی از این حق ممنوعیت قانونی بوجود می‌آورد. همچنین این تشکلهای نباید به دلیل فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، از سوی دولت منحل شود یا فعالیت آن‌ها تعلیق شود. مقاوله‌نامه ۹۸ سازمان جهانی کار نیز بر آزادی اتحادیه‌های کارگری تاکید دارد. از جمله آن‌که نباید استخدام کارگران مشروط به عضویت یا خروج از یک اتحادیه کارگری باشد.

اما براساس مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ فصل ششم قانون کار، کارگران واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، خدماتی و صنفی می‌توانند نسبت به تاسیس انجمن‌های اسلامی کنند. براساس ماده ۱۳۱: «در اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارگران و کارفرمایان، که خود متضمن حفظ منافع جامعه باشد، کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان یک حرفه یا صنعت می‌توانند مبادرت به تشکیل انجمن‌های صنفی نمایند».

در قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ حق فعالیت سندیکایی فقط برای کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار و کارکنانی که در «بخش عمومی خارج از ضوابط مقررات خاص استخدامی دستگاه مربوطه به کار گرفته می‌شوند» پیش‌بینی شده و برای کارکنان دولت حق تشکیل سازمان‌های صنفی پیش‌بینی نشده است.

براساس قوانین ایران این وزارت کار است که وظیفه دارد در واحدهایی که بیش از ۲۵ نفر به شکل دائم در آن‌ها مشغول به کار هستند، نسبت به تشکیل «شورای اسلامی کار» اقدام کند. علاوه بر این انتخاب نمایندگان کارگران، احراز صلاحیت نامزدهای نمایندگی و برگزاری انتخابات به عهده وزارت کار است و صدور اعتبارنامه برای منتخبان نیز در حیطه وظایف این وزارتخانه است.

علاوه بر این آیین‌نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد این تشکلهای نیز باید از سوی شورای عالی کار تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسید. از طرف دیگر براساس تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون کار، کارگران یک واحد تنها یکی از سه مورد شوراهای اسلامی کار، انجمن‌های صنفی یا نمایندگی کارگران را می‌توانند تشکیل دهند.

مجموعه این شرایط باعث شده است که سازمان بین‌المللی کار بارها نسبت به عدم شکل‌گیری نظام سندیکایی در ایران اعتراض کرده و اشاره کند که ایران نمی‌تواند خود را در این زمینه با «ضوابط بین‌المللی» تطبیق دهد.



## قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده



### فصل اول – تعاریف

ماده ۱: حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آنها تشکیلاتی است که دارای مرام‌نامه و اساس‌نامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین تاسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد. ماده ۲: انجمن، جمعیت، اتحادیه صنفی و امثال آن تشکیلاتی است که به وسیله دارندگان کسب یا پیشه یا حرفه و تجارت معین تشکیل شده، اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به گونه‌ای در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف باشد.

ماده ۳: انجمن اسلامی هر واحد اداری، آموزشی، صنفی، صنعتی و یا کشاورزی تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان واحد که هدف آن شناختن و شناساندن اسلام، امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ و گسترش انقلاب اسلامی باشد.

ماده ۴: انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل‌مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد.

ماده ۵: منظور از کلیه گروه‌های مذکور در مواد بعدی این قانون «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» موضوع اصل ۲۶ قانون اساسی می‌باشد.

### فصل دوم – حقوق گروه‌ها

ماده ۶: فعالیت گروه‌ها آزاد است مشروط بر این که مرتکب تخلفات مندرج در بندهای ماده ۱۶ این قانون نگردند.

تبصره ۱: کلیه گروه‌ها موظفند مرام‌نامه، اساس‌نامه، هویت هیات رهبری خود و تغییرات بعدی آن‌ها را به اطلاع وزارت کشور برسانند. تبصره ۲: برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارک‌های عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است.

ماده ۷: کلیه اعضای ساواک منحل، فراماسون‌ها، کسانی که در فاصله ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به وزارت رسیده و یا به عضویت مجلس سنا یا شورای ملی درآمد‌اند، گردانندگان رژیم سابق و حزب رستاخیز و کسانی که به موجب احکام دادگاه‌ها طبق موازین اسلامی از حقوق اجتماعی محروم شده و یا می‌شوند از حق تاسیس جمعیت و حزب سیاسی و یا شرکت در هیات رهبری آن محرومند.

ماده ۸: به وزارت کشور اختیار داده می‌شود با رعایت این قانون نسبت به ثبت گروه‌ها و صدور پروانه برای آن‌ها اقدام نماید.

ماده ۹: پرونده مربوط به تقاضای صدور پروانه که طبق آیین‌نامه اجرایی این قانون تنظیم می‌شود حداکثر ظرف یک ماه وسیله وزارت کشور به کمیسیون ماده ۱۰ این قانون احاله و پس از تصویب کمیسیون ظرف ۱۰ روز پروانه گروه‌ها با امضا وزیر کشور صادر خواهد شد.

ماده ۱۰: به منظور صدور پروانه جهت متقاضیان و نظارت بر فعالیت گروه‌ها و انجام وظایف مصرحه در این قانون کمیسیونی به شرح زیر دروزارت کشور تشکیل می‌گردد:

۱- نماینده دادستان کل کشور

۲- نماینده شورای عالی قضایی

۳- نماینده وزارت کشور

۴- دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی از بین داوطلبانی که از داخل مجلس و خارج آن به معرفی یکی از نمایندگان حداکثر تا یک هفته‌قبل از انتخابات کتبا به کمیسیون داخلی معرفی شده باشند، تاریخ انتخابات حداقل ۱۵ روز قبل توسط رئیس مجلس در جلسه علنی اعلام خواهد شد.

تبصره ۱: نمایندگان مذکور باید ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون انتخاب و به وزارت کشور معرفی شوند و وزیر کشور حداکثر تا ده روز پس از آن موظف به تشکیل اولین جلسه کمیسیون می‌باشد. تبصره ۲: نمایندگان فوق‌الذکر برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند. تبصره ۳: کمیسیون می‌تواند از نمایندگان سایر سازمانها و افراد صاحب نظر جهت مشاوره دعوت به عمل آورد. جلسات کمیسیون با حضور دوسوم اعضا رسمیت یافته و تصمیمات آن با اکثریت مطلق مجموع اعضا کمیسیون معتبر خواهد بود.

تبصره ۴: هزینه کمیسیون از محل اعتبارات وزارت کشور (برنامه

۲- امور سیاسی و اجتماعی) تامین می‌گردد.

ماده ۱۱: اساس‌نامه و مرام‌نامه گروه‌ها پس از صدور پروانه باید به هزینه موسسین در روزنامه رسمی چاپ و منتشر گردد.

ماده ۱۲: کمیسیون مذکور در ماده ۱۰ موظف است به پرونده‌های رسیده به نوبت رسیدگی نماید و در صورتی که پس از رسیدن نوبت ظرف سه‌ماه بدون ارائه دلیل اعلام نظر ننماید وزارت کشور موظف است پروانه درخواست شده را صادر کند.

ماده ۱۳: مرجع رسیدگی به شکایات گروه‌ها از کمیسیون موضوع ماده ۱۰ محاکم دادگستری با رعایت اصل ۱۶۸ قانون اساسی می‌باشد و رای صادره قطعی است.

ماده ۱۴: گروه‌های متقاضی پروانه باید در اساسنامه و مرام‌نامه خود صراحتاً التزام خود را نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان کنند.

ماده ۱۵: هر گونه تغییری در هیات رهبری، مرام‌نامه و اساسنامه گروه‌ها باید به کمیسیون موضوع ماده ۱۰ اعلام و توسط آن مورد رسیدگی قرارگیرد.

تبصره ۱: چنانچه تغییرات اعلام شده موضوع ماده ۱۵ موجب مغایرت اساسنامه و یا مرام‌نامه گروه با ماده ۱۴ بشود یا بعضی از اعضای هیات رهبری مشمول ماده ۸ گردد، کمیسیون ماده ۱۰ پروانه گروه را توقیف خواهد نمود.

تبصره ۲: ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ توقیف و یا اعلان آن در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار، گروهی که پروانه او توقیف شده است می‌تواند به دادگاه شکایت کند. دادگاه ظرف سه ماه رسیدگی نموده رای قطعی صادر خواهد نمود.

ماده ۱۶: گروه‌های موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیت‌های دیگر خود از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند:

الف - ارتکاب افعالی که به نقض استقلال کشور منجر شود

ب - هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارت‌خانه‌ها، نمایندگی‌ها، ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به‌هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد.

ج - دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان.

د - نقض آزادی‌های مشروع دیگران.

ه - ایراد تهمت، افترا و شایعه پراکنی.

و - نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح‌ریزی برای تجزیه کشور.

ز - تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران.

ح - نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی.

ط - تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضره.

ی - اختفا و نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز.

ماده ۱۷: در صورتی که فعالیت تشکیلاتی یک گروه منشاء تخلفات مذکور در ماده ۱۶ باشد کمیسیون می‌تواند بر حسب مورد به تفصیل زیر عمل نماید:

۱- تذکر کتبی

۲ - اخطار

۳ - توقیف پروانه

۴ - تقاضای انحلال از دادگاه

ماده ۱۸ - بودجه گروه‌ها باید از طرق مشروع و قانونی تامین و به شکل مشروع و قانونی صرف گردد.

تبصره - درآمد و هزینه گروه‌های پروانه‌دار باید در دفاتر قانونی ثبت شود و در

پایان سال مالی برای بررسی در اختیار کمیسیون ماده ۱۰ قرار گیرد.

ماده ۱۹- شورای عالی قضایی موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون لایحه

تشکیل هیات منصفه محاکم دادگستری موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی را تهیه و با رعایت اصل ۷۴ قانون اساسی تقدیم مجلس نماید.

قانون فوق مشتمل بر نوزده ماده و نه تبصره در جلسه روز شنبه هفتم شهریور ماه یک هزار و سیصد و شصت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و شورای محترم نگهبان آن را تایید نموده است.

رییس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی



# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران/ محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: آرش بهمنی

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

